

## تحلیل سیر تاریخی نظرات مفسران درباره آیه الحاق ذریه

مجتبی شکوری\*

فاطمه حاجی اکبری\*\*

### چکیده

یکی از نعمت‌های بهشتیان که در آیه ۲۱ سوره طور بدان اشاره شده، الحاق ذریه مؤمنان به ایشان به شرط تبعیت از آنها در ایمان عنوان شده است. مفسران پیرامون اینکه مراد از ذریه چیست و این ذریه با چه شرایطی می‌توانند به پدران خود ملحق شوند، نظرات مختلفی ابراز نموده‌اند. پرداختن به این موضوع از این نظر اهمیت می‌یابد که چگونگی و شرایط این الحاق می‌تواند نقش مهمی در تنظیم عملکرد دنیوی و انتظارات اخروی فرد مسلمان ایفا نماید. به عنوان نمونه، اگر فهم از این آیه این‌گونه باشد که مؤمنان می‌توانند ذریه مؤمن خود را در بهشت به خود ملحق نمایند، انگیزه انجام و کثرت اعمال صالح در میان فرزندان مؤمنین کاهش یافته و این تلقی پیش می‌آید که مسلمانان می‌توانند با احراز سطحی حداقلی از ایمان، به درجات والاترین مؤمنان از میان اجداد خود نائل گردند. واکاوی تاریخی نظرات مفسرین نشان می‌دهد که به مرور زمان و با اهمیت یافتن مباحث عدل الهی و عدالت اجتماعی در سده‌های اخیر، مفسران به دیدگاه‌ها و نظراتی گرایش یافته‌اند که چالش‌های موجود در مفاهیم آیه را برطرف سازد. لذا اکثر مفسران متأخر و معاصر معتقدند مناسب‌ترین برداشت از آیه آن است که اولاً مراد از ذریه را صرفاً فرزندان و نه نسل‌های بعدتر و ثانیاً مراد از الحاق را صرف هم‌نشینی و نه هم‌درجه‌بودن قلمداد نماییم.

**کلیدواژه‌ها:** آیه ۲۱ سوره طور، ذریه، تفسیر قرآن، عدل الهی، بهشت

\* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کوثر، بجنورد (نویسنده مسئول)، shever66ms@gmail.com

\*\* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کوثر، بجنورد، F.hajiakbari@kub.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۳

## ۱. مقدمه

آیه ۲۱ سوره مبارکه طور - مشهور به آیه الحاق ذریه - یکی از آیات بحث‌برانگیز در حوزه مفاهیم مربوط به معاد و زندگی اخروی است. بر اساس مفاد این آیه، ذریه مؤمنان، اگر در ایمان از آنها پیروی کنند، در سرای اخروی به آنان ملحق خواهند شد: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ». این گزاره که در ابتدا، دارای مفهومی ساده و بسیط می‌نماید، متضمن مسائلی است که قصور در پاسخ‌دهی صحیح و اصولی بدانها، چالش‌هایی جدی در حوزه مفهومی عدل و حسابرسی الهی ایجاد می‌کند. سوالات و چالش‌هایی که درباره مضمون آیه فوق به ذهن متبادر می‌گردد به شرح زیر است:

- منظور از ذریه چه کسانی هستند؟ آیا مراد تنها فرزندان هستند یا نسل‌های بعدتر هم مشمول این قاعده می‌گردند؟ اگر مراد از واژه «ذریه» با توجه به معنی ارتکازی آن و تحقیقات زبان‌شناختی صورت گرفته (حاجی‌اسماعیلی و سلطانی رنانی، ۱۳۹۳)، نسل انسان شامل اولاد و نوادگان و طبقات بعدتر باشد، در این صورت، با توجه به مفاد آیه مورد بحث، همه انسان‌های مؤمن که ذریه حضرت آدم(ع) محسوب می‌شوند، می‌توانند به او ملحق شوند. همچنین است نسل پیامبر اکرم(ص) که در صورت تحقق ایمان، علی‌رغم تفاوت بسیار زیاد درجات، به آن حضرت ملحق می‌شوند. جدای از چالش‌های نظری این نوع نگاه به آیه، آفت عملی این نوع برداشت از آیه این است که افرادی که از نسل بزرگان دینی و ایمانی هستند، نیازی به کثرت اعمال صالح و طاعات نبینند و مطمئن باشند که به صرف تحقق ایمان، به اجداد خود در بهشت ملحق خواهند شد.
- آیا فرزندان که با تحقیق خود به ایمان دست یافته‌اند، مراد هستند یا فرزندان که به تبعیت و تقلید از والدین، ایمان آورده‌اند؟ هر دو نوع برداشت توسط مفسرین نقل و برای هر یک ادله‌ای اقامه شده است. مشخص است که برداشت دوم، با برخی قواعد دینی همچون عقلانی بودن ایمان، سازگاری ندارد.
- آیا فرزندان از مومنین که پیش از رسیدن به سن بلوغ و تکلیف از دنیا رفته‌اند نیز مشمول مفاد این آیه می‌شوند؟ بسیاری از مفسرین، مراد از آیه را این فرزندان دانسته‌اند که به سبب آنکه خود به سن تحقق ایمان و احراز تکلیف نرسیده‌اند، بنا به قواعد دینی، متبوع پدران خود محسوب شده و به آنها ملحق می‌گردند. اما چالشی

که پیش می‌آید این است که اولاً فرزندان صغیر کفار و مشرکین که از موهبت ایمان پدران برخوردار نیستند، چه عاقبتی خواهند داشت و ثانیاً آیا این خود، نوعی بی-عدالتی نیست که فردی، به صرف ایمان پدرش در دنیا و بدون آنکه خود عمل صالحی انجام دهد، به وی ملحق شود، اما دیگری، با همان شرایط و بدون تحقق ایمان پدر، از آن درجه بهشتی محروم باشد؟

- مراد از تنکیر لفظ «بایمان» و علت آن چیست؟ آیا همانطور که بسیاری از مفسرین اذعان کرده‌اند، مراد این است که ذریه، به صرف داشتن بهره‌ای حداقلی از ایمان، در بهشت به پدرانشان ملحق می‌شوند؟

- دو فرد را در نظر بگیرید که هر دو از نظر ایمان و عمل صالح در یک رتبه و درجه قرار دارند. پدر یکی از آنها در درجه‌ای بالاتر از وی قرار دارد، اما پدر دیگری در درجه پایین‌تر است. بنا به برداشت اولیه از این آیه، فرد اول به پدر خود ملحق می‌شود و در درجه بالاتر متنعم خواهد شد. آیا این تفاوت بین این دو فرد، با عدل الهی ناسازگار نیست؟

- ارتباط فقره پایانی آیه «كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ» با گزاره‌های پیشین چیست؟ در فقره انتهایی، تأکید می‌شود که هر انسانی، در گروهی اعمال خویش است. حال آنکه پیش از آن، بیان می‌شود که ذریه مومنین به صرف ایمان و رابطه نسبی، به درجات پدرانشان می‌رسند. آیا بوی تناقض از مفاد این فقرات به مشام نمی‌رسد؟

برخی از مسائل فوق توسط مفسران قرآن در طول سده‌های متمادی، مورد بحث و بررسی قرار گرفته و برخی دیگر، علی‌رغم اشاره‌های جزئی، مغفول مانده است. همچنین پژوهش مستقلی نیز که با رویکرد تاریخی به بررسی نظرات مفسران در رفع ابهام از مضامین این آیه پرداخته باشد، یافت نشده است. لذا در راستای تدقیق و تعمیق فهم از آیات قرآن کریم به عنوان یکی از رسالت‌های اصلی دانش‌وران حوزه تفسیر قرآن و همچنین فهم تاریخی سیر نظرات مفسران در مسائل مختلف، طرح این مسائل و چالش‌های متعاقب هر یک از پاسخ‌ها و بحث درباره علت تاریخی گرایش مفسران به هر یک از دیدگاه‌ها ضروری می‌نماید.

بر این اساس، هدف پژوهش حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد تاریخی سامان یافته، بررسی عمیق نظرات مفسران پیرامون مسائل فوق و تحلیل سیر

تاریخی دستیابی مفسران معاصر به بهترین و کم‌چالش‌ترین دیدگاه در هر یک از مسائل می‌باشد.

## ۲. جایگاه آیه در سیاق آیات و سوره

علامه طباطبایی در تفسیر سوره مبارکه طور، آیات سوره را به چهار دسته تقسیم کرده است (۱۳۹۰، ج ۱۹، صص ۵-۲۵). بر اساس تقسیم‌بندی وی، آیات ۱-۱۰ دسته اول را تشکیل می‌دهند که به خبردهی و تأکید بر وقوع و تحقق عذاب روز قیامت اختصاص دارد. دسته دوم شامل آیات ۱۱-۲۸ سوره است که به بیان ویژگی‌های مشمولین عذاب و توصیف حالات آنها در جهنم از سویی و توصیف حالات و نعمت‌های متقین در بهشت از سوی دیگر می‌پردازد. آیات ۲۹-۴۴ سوره در دسته سوم جای می‌گیرند که به بیان بهانه‌های واهی مکذبین در عدم پیروی از تذکرات پیامبر (ص) اختصاص دارد. آیات ۴۵-۴۹ که آیات پایانی سوره هستند، پیامبر را از اشتغال ذهنی به عاقبت مکذبین بر حذر داشته و ضمن انذار مجدد آنها، آن حضرت را به صبر و تسبیح امر می‌نماید.

آیه مورد بحث در میان آیاتی قرار دارد که به توصیف نعمت‌های بهشتیان قرار دارد. در این سیاق که آیات ۱۷-۲۸ را شامل می‌شود، ابتدا جایگاه کلی متقین توصیف و سپس جزئیات نعمت‌هایی چون همسران بهشتی، الحاق ذریه، خوراکی‌ها، نوشیدنی‌ها و خدمه تشریح شده است. سپس در آیات ۲۵ تا ۲۸، مکالمه‌ای تصویر گشته که در آن، بهشتیان ضمن توصیف حالات دنیوی خود، بر امتنان الهی در رفع عذاب از آنها تأکید کرده و مهربانی خداوند را یادآور می‌شوند.

اکثر مفسرین در تفسیر آیه ۲۶ یا توجهی به عبارت «فی أهلینا» نداشته (به عنوان نمونه: سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۳۵۳؛ هواری، ۱۴۲۶، ج ۴، ص ۲۱۰؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۶، ص ۱۲۶) و یا مراد از کاربرد آن را اشاره به نشئه دنیا دانسته‌اند (به عنوان نمونه: دینوری، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۳۴۹؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۸، ص ۱۳۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۲۵۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۸، ص ۲۱۲). تصریح بر نکته اخیر، در کلام مفسرینی چون بغوی، ابن جوزی و خازن بدین شکل دیده می‌شود: «یتذکرون ما کانوا فیہ فی الدنیا من الخوف و التعب، و هو قوله: قالوا إنا کنا قبل فی أهلینا أی: فی دار الدنیا مُشْفِقِینَ أی: خائفین من العذاب» (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۲۹۴؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۱۷۸؛ خازن، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۰۰). ابن کثیر همین مضمون را به صورت زیر بیان نموده است: «أی قد کنا فی الدار

الدنیا و نحن بین أهلنا خائفین من ربنا مشفقین من عذابه و عقابه» (۱۴۱۹، ج ۷، ص ۴۰۴). برخی از مفسرین مراد از کاربرد عبارت «فی أهلنا» را تذکر به این نکته دانسته‌اند که انسان معمولاً در هم‌نشینی و هم‌زیستی با خانواده خود، دچار غفلت از یاد خدا و اشتغال به امور و لذات دنیوی می‌گردد (ابن عرفه، ۲۰۰۸، ج ۴، ص ۸۳؛ بقاعی، ۱۴۲۷، ج ۷، ص ۳۰۱؛ خطیب شربینی، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۱۰۹). اما برخی از مفسرین مراد از کاربرد این عبارت را اشاره به دلسوزی و نگرانی مومنین در دنیا نسبت به خانواده خود و عاقبت اخروی آنها دانسته و از این طریق، بین این آیه و آیه مورد بحث (آیه ۲۱) مناسبتی برقرار ساخته‌اند (ماتریدی، ۱۴۲۶، ج ۹، ص ۴۰۷؛ قونوی، ۱۴۲۲، ج ۱۸، ص ۲۵۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۱۵). با لحاظ نمودن برداشت اخیر از آیه ۲۶، می‌توان گفت که یکی از مهم‌ترین نعمت‌هایی که در این فراز از آیات بهشتی بدان اشاره شده، نعمت گردهم‌آیی با خانواده در بهشت است.

### ۳. مراد از ذریه در آیه شریفه

اولین سوالی که درباره آیه مورد بحث مطرح می‌شود، این است که «مراد از ذریه چیست؟». بررسی اقوال لغویون مسلمان روشن می‌سازد که در هم‌معنایی واژه «ذریه» با واژگان «نسل، اولاد، نسب، ابناء و...» تردیدی وجود ندارد (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۱۷۵؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۳۰۴). علی‌رغم اختلاف نظر در ریشه واژه (ذراً، ذرو، ذر)، اکثر واژه‌شناسان در توضیح مفهوم و چگونگی شکل‌گیری این مفهوم، از تعبیری چون «پراکندگی»، «آفریدن» و «گسترده شدن» و «کوچکی» استفاده کرده‌اند. توجه به وجود مفهوم «کوچکی» در معنای کلمه «ذر = مورچه کوچک» باعث شده که برخی چون فیومی تصریح کنند که ذریه هم به معنای نسل است، و هم به معنای فرزندان کوچک (۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۰۷). راغب اصفهانی معتقد است که ذریه در اصل به معنای فرزندان کوچک است، اگرچه به صورت متعارف به همه اولاد انسان، بزرگ و کوچک، اطلاق می‌شود (۱۴۱۲، ص ۳۲۷).

واژه ذریه مجموعاً ۳۲ بار در قرآن کریم (قرائت حفص از عاصم) آمده که ۲۸ بار آن به صورت مفرد و ۴ بار هم به صورت جمع «ذریات» بوده است. برخی از کاربردهای این واژه به روشنی دلالت بر نسل و دودمان (بقره/۱۲۸؛ اسراء/۶۲) و برخی دیگر دلالت بر فرزندان انسان و نه نسل‌های بعد (بقره/۲۶۶؛ نساء/۹) دارند. لذا نمی‌توان به سادگی درباره اینکه این واژه در آیه مورد بحث به صرف فرزندان اشاره دارد یا به نسل انسان، قضاوت نمود.

قریب به اتفاق مفسرین مراد از ذریه در آیه مورد بحث را انحصاراً در میان فرزندان شخص مؤمن جستجو نموده و معنای آن را به نسل و دودمان شخص گسترش نداده‌اند. ولی برخی از مفسرین از کلمه نسل و مفهوم دودمان برای توضیح این آیه استفاده نموده‌اند. فرات کوفی در ذیل این آیه روایتی را از ابن عباس از رسول خدا (ص) نقل می‌کند که بر اساس آن، حضرت فاطمه زهرا(س) در روز قیامت، تمام فرزندان، نسل و دوستداران نسل خود را شفاعت خواهد نمود. راوی روایت ذکر کرده که ابن عباس پس از اتمام نقل روایت، آیه مورد بحث را تلاوت کرد (کوفی، ۱۴۱۰، ص ۴۴۳). لذا می‌توان گفت بر اساس برداشت فرات کوفی، واژه ذریه در این آیه شامل نسل انسان هم می‌شود. طبرسی بر مفهوم نسل در کنار اولاد تأکید می‌کند: «و با اجتماع اولادهم و نسلهم معهم» (۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۸۹). حقی بروسوی (ج ۹، ص ۱۹۲) و ثقفی تهرانی (۱۳۹۸، ج ۵، ص ۷۶) در توضیح مفهوم ذریه از واژه «نسل» استفاده کرده‌اند که روشن نیست مراد از آن، فرزندان هستند یا طبقات بعدتر نسل انسان. صاوی در حاشیه‌اش بر تفسیر جلالین (۱۴۲۷، ج ۴، ص ۹۵) و جوادی آملی (۱۳۹۵) نیز معتقدند که نسل‌های بعدتر انسان اعم از نوه‌ها، نبیره‌ها و... نیز به همراه فرزندان انسان مومن، مشمول حکم این آیه هستند.

به جز مفسران فوق، قاطبه مفسرین مراد از ذریه را فرزندان درجه اول انسان دانسته‌اند و اختلاف در این است که مراد، همه فرزندان هستند یا فرزندان کوچکی که پیش از رسیدن به سن تکلیف از دنیا رفته‌اند؟

### ۱.۳ تمامی فرزندان

مفسران از سده اول تا عصر حاضر بر این معنا تأکید کرده‌اند که واژه ذریه در آیه شریفه، همه فرزندان انسان اعم از دختر و پسر را شامل می‌شود و آنها به شرط تحقق ایمان می‌توانند به پدران خود ملحق شوند. زید بن علی بن حسین(ع) در توضیح معنای ذریه، هیچ تخصیص و تقيیدی به کار نبرده و از لفظ «ابناء» برای تشریح مفهوم آیه استفاده کرده است (۱۴۱۲، ص ۳۰۷). سفیان ثوری و عبدالرزاق صنعانی (۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۰۰) از علمای قرن دوم هجری از ابن عباس نقل می‌کنند که درباره این آیه گفته است: «إن الله يرفع ذرية المؤمن معه في درجته في الجنة وإن كانوا دونه في العمل». اطلاقی که در این سخن ابن عباس وجود دارد، نشان‌دهنده آن است که وی، مراد از ذریه را تمامی فرزندان می‌داند.

این گزاره در سده‌های بعدی نیز توسط مفسرین به عنوان گزینه اول برای معنای ذریه مطرح شده است. هواری (۱۴۲۶، ج ۴، ص ۲۰۷)، ماتریدی (۱۴۲۶، ج ۹، ص ۴۰۵)، ابن‌ابی‌زمین (۱۴۲۴، ج ۲، ص ۳۵۷)، ابن‌ابی‌حاتم (۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۳۳۱۶)، طبری (۱۴۱۲، ج ۲۷، ص ۱۵)، جرجانی (۱۴۳۰، ج ۲، ص ۵۹۵) و زمخشری (۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۱۱) از کسانی هستند که به عنوان مهم‌ترین یا تنها احتمال، مراد از ذریه را تمامی فرزندان فرد مؤمن دانسته‌اند. ابن‌عطیه پس از نقل احتمالات مختلف، عنوان می‌کند که سیاق آیه، سیاق امتنان است و کنکاش و تفکیک در میان ذریه، با سیاق امتنان سازگار نیست. لذا این امر ایجاب می‌کند که همه فرزندان مؤمن، به او ملحق شوند (۱۴۲۲، ج ۵، ص ۱۸۹). قشیری به این نکته اشاره می‌کند که لذت بردن از زندگی در بهشت، بدون هم‌نشینی با خانواده، عیش را منغص می‌کند و از آنجا که بهشتیان نباید هیچ هم و غمی داشته باشند، لذا اولادشان به آنها ملحق می‌گردند (۲۰۰۰، ج ۳، ص ۴۷۵). از متأخرین، مراغی (بی‌تا، ج ۲۷، ص ۲۶)، قطب (۱۴۲۵، ج ۶، ص ۳۳۹۷)، حوی (۱۴۲۴، ج ۱۰، ص ۵۵۴۴)، حجازی (۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۴۷)، مدرسی (۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۱۰۷)، فضل‌الله (۱۴۱۹، ج ۲۱، ص ۲۳۸) و دخیل (۱۴۲۲، ص ۷۰۲) این نظریه را به عنوان نظر برگزیده نقل نموده‌اند. دروزه احادیث ذکر شده در کتب تفسیری را نقل نموده و سپس گفته با اینکه این احادیث در کتب صحیحه نیستند اما صحت مضمون آنها با توجه به مفاد آیات، چندان هم متباعد از ذهن نیست (۱۴۲۱، ج ۵، ص ۳۶۳).

تحلیل تاریخی دیدگاه‌های مفسران نشان می‌دهد که علی‌رغم اختلاف نظرهای موجود در سده‌های ابتدایی پیرامون مفهوم ذریه در این آیه، اکثریت مفسران در سده‌های میانی و متأخر هجری معتقد بوده‌اند که مراد از ذریه در این آیه، همه فرزندان مؤمن می‌باشند. اندک اختلاف‌های موجود در میان متأخرین نیز در نقل دیدگاه‌های پیشینیان می‌باشد.

## ۲.۳ فرزندان صغار

احتمال دیگری که توسط مفسران مطرح شده، این است که مراد از ذریه در آیه شریفه، فرزندان کوچک مؤمنین (اولاد صغار) باشند که پیش از رسیدن به سن بلوغ از دنیا می‌روند. این احتمال بیشتر توسط متقدمان مطرح شده و در سده‌های بعد، بیشتر در تفاسیر مأثور به عنوان دیدگاهی قابل اعتنا معرفی شده است. مقاتل بن سلیمان از تابعیان مشهور معتقد است که در عبارت «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ» مراد از ذریه اول،

فرزندانی هستند که به سن تکلیف رسیده و در ایمان و عمل صالح از پدران خود پیروی کرده‌اند، و مراد از ذریه دوم اولاد صغار هستند. بنا به نظر او، مراد از آیه این است که اگر فرزندان بالغ مؤمنین در ایمان و عمل صالح از پدران خود پیروی کنند، خداوند متعال حکم آنان را درباره فرزندان نابالغ مؤمنین نیز ساری خواهد نمود و برای روشنی چشم مؤمنین، اولاد صغار را به پدران‌شان در بهشت ملحق خواهد کرد (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۱۴۵).

تفسیر مآثور شیعی در ذیل این آیه روایاتی نقل نموده‌اند که ملهم این نوع برداشت از آیه است. علی بن ابراهیم در تفسیر این آیه، روایت زیر را از امام صادق (ع) نقل می‌کند: «إِنَّ أَطْفَالَ شِيعَتِنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ تُرَبِّهِمْ فَاطِمَةُ» (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۳۲). درج این روایت در ذیل آیه، نشانگر آن است که این مفسر، آیه را ناظر به احوال اولاد صغار مؤمنین می‌داند. طبرسی روایتی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که صریحاً به اولاد کوچک مؤمنین اشاره می‌کند: «أَطْفَالَ الْمُؤْمِنِينَ يَهْدُونَ إِلَى آبَائِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۲۵۱). فیض کاشانی ذیل این آیه، روایتی را از کتاب من لا یحضره الفقیه نقل می‌کند که مضمون آن، این است که اطفال مؤمنین هنگامی که از دنیا می‌روند، تحت تکفل حضرت ابراهیم (ع) و همسرش ساره قرار می‌گیرند تا اینکه در روز قیامت به پدران خود ملحق شوند (۱۴۱۵، ج ۵، ص ۷۹). قمی مشهدی (۱۳۶۸، ج ۱۲، ص ۴۵۲)، حویزی (۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۳۹) و شاه-عبدالعظیمی (۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۳۰۲) روایاتی از کتاب التوحید شیخ صدوق درباره عاقبت اطفال مرده در قیامت، اطفال مرده مؤمنین و اطفال مرده انبیاء نقل می‌کنند که نشان‌دهنده نوع برداشت آنها از آیه است. حائری طهرانی (۱۳۳۸، ج ۱۰، ص ۲۴۶) و مغنیه (۱۴۲۴، ج ۷، ص ۱۶۴) تحت تأثیر روایات یاد شده، این دیدگاه را به عنوان دیدگاهی معتبر درباره مراد از ذریه پذیرفته‌اند.

در تفسیر اهل سنت هم روایاتی از این دست فراوان‌اند. ابوحیان نظرات ابن عباس، ضحاک و منذر بن سعید درباره این آیه را منعکس کرده که هر سه معتقدند مراد از ذریه در آیه، اولاد صغار هستند (۱۴۲۰، ج ۹، ص ۵۷۰). هواری دو روایت از رسول خدا (ص) نقل می‌کند که نشان می‌دهد این قول را به عنوان یک احتمال قوی، پذیرفته است. مضمون روایت اول این است که اگر سه فرزند فرد مسلمانی پیش از رسیدن به بلوغ از دنیا بروند، خداوند متعال به اقتضای رحمتش نسبت به اطفال، آن فرد را وارد بهشت می‌کند. در روایت دوم نیز پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «اینکه فرزند سقط‌شده‌ای را پیش از خود به دیار



آخرت بفرستم، برایم بهتر است نسبت به آنکه از خود، صد چابک‌سوار به یادگار گذارم که همگی از جهادگران راه خدا باشند» (هواری، ۱۴۲۶، ج ۴، ص ۲۰۷). طبری نیز به عنوان یکی از احتمالات، این حالت را مطرح ساخته است (۱۴۱۲، ج ۲۷، ص ۱۵). ثعلبی نظر مقاتل در این باب را به عنوان اولین احتمال در نظر گرفته است (۱۴۲۲، ج ۹، ص ۱۲۸). ابن عربی صاحب احکام القرآن با اشاره به اختلاف در شیوه قرائت آیه، گفته است که اگر کلمه «اتَّبَعْتَهُمْ» را به شیوه ابوعمرو «اتَّبَعْنَاهُمْ» بخوانیم، احتمال اینکه مراد از ذریه، اولاد صغار باشند، صحیح‌تر به نظر می‌رسد. چرا که در این صورت، ایمان ذریه به ایمان تبعی شبیه‌تر خواهد بود تا ایمان عقلی، و این با حالات اولاد صغار سازگارتر است (۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۷۳۱). ابن عربی عارف و صوفی مشهور با تأکید بر اینکه اولاد صغار در ایمان از پدران تبعیت می‌کنند، اما در کفر نه، مراد از ذریه را اولاد صغار ذکر می‌کند (۱۴۱۰، ج ۴، ص ۲۰۳). ابن کثیر (۱۴۱۹، ج ۷، ص ۴۰۳) و ابن جزی (۱۴۱۶، ج ۲، ص ۳۱۲) نیز از نظریه اولاد صغار به عنوان یکی از اقوال مطرح در این زمینه نام می‌برند. اما در میان متأخران و معاصران، از این دیدگاه طرفداری چندانی نشده است.

### ۳.۳ هم فرزندان و هم پدران

هواری روایت ابن عباس را بدینگونه نقل کرده است: «إِنَّ اللَّهَ يَرْفَعُ إِلَى الْمُؤْمِنِ وَلَدَهُ فِي دَرَجَتِهِ فِي الْجَنَّةِ وَإِنْ كَانُوا دُونَهُ فِي الْعَمَلِ لَتَقَرَّبْ بَدَلِكْ عَيْنَهُ، وَكَذَلِكَ الْآبَاءُ يَرْفَعُونَ إِلَى الْأَبْنَاءِ إِذَا كَانَتْ الْآبَاءُ دُونَ الْأَبْنَاءِ فِي الْعَمَلِ» (هواری، ۱۴۲۶، ج ۴، ص ۲۰۷). جمله دوم این روایت حاکی از آن است که اگر فرزندان مومن در بهشت، دارای درجات بالاتری بودند، پدران‌شان به آنها ملحق می‌گردند. فرآء در معانی القرآن همین مضمون را نقل کرده و گفته هرکدام از ذریه و آباء که درجه بالاتری داشته باشند، دیگری به او ملحق خواهد شد (۱۹۸۰، ج ۳، ص ۹۲). واحدی نیز مراد از الحاق را به همین حالت معتبر می‌داند (۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۰۳۴). مکی بن حموش روایتی از کعب الاحبار نقل می‌کند که وی مدعی شده، اولاد صغار مؤمنین پس از آنکه از دنیا می‌روند، در اطراف عرش الهی مشغول تحمید و تسبیح می‌گردند تا اینکه روز قیامت فرا می‌رسد و خداوند آنها را به بهشت دعوت می‌کند؛ در این هنگام، آنها از خداوند می‌خواهند که پدران‌شان هم به همراه آنها وارد بهشت شوند، لذا خداوند دستور می‌دهد که پدران آنها هم همراه با اولادشان وارد بهشت شوند (مکی بن حموش، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۷۱۲۵). ابن عطیه اما پس از نقل این حالت به عنوان یکی از گزینه‌های مطروحه

توسط مفسرین، مضمون گفته شده را نامرتب به آیه مورد بحث قلمداد کرده و مدعی شده از این آیه، اینچنین مفهومی برداشت نمی‌شود (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۱۸۹). از میان مفسرین سده‌های میانه و متأخرین، خطیب شربینی (۱۴۲۵، ج ۴، ص ۱۰۹)، سیوطی (۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۱۹)، ابن عجبیه (۱۴۱۹، ج ۵، ص ۴۸۹)، جمل (۱۴۲۷، ج ۷، ص ۳۰۰)، نووی (۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۵۹)، زحیلی (۱۴۱۱، ج ۲۷، ص ۶۷) و طنطاوی (۱۹۹۷، ج ۱۴، ص ۴۲) به این دیدگاه اشاره داشته‌اند. اما روشن است که به مرور زمان، عدم ارتباط این گزاره با آیه مربوطه برای مفسران روشن شده و مفسران متأخر صرفاً به نقل این دیدگاه اکتفا نموده و از آن جانبداری نکرده‌اند. خطیب ضمن تأکید بر این امر که تنها فرزندان به پدران ملحق می‌شوند و نه بالعکس، چرایی این امر را اینگونه توضیح داده که آن پدران، خود آبائی دارند و به آنها ملحق می‌شوند و هکذا. لذا کل بهشتیان همچون یک خانواده دور هم هستند. سپس این سوال محتمل را مطرح کرده که اگر اینطور است، پس چرا گفته‌اند چندین بهشت داریم و هر کدام اهلی دارد و بین آنها تفاوت وجود دارد؟ وی در جواب این سوال اذعان کرده که اولاً مرزها و حدودی که در این عالم است، آنجا نیست و بهشتیان با تمام اختلاف مراتب و درجاتی که دارند، در عالم واحدی زندگی می‌کنند که حدود و قیودی ندارد. ثانیاً تفاوت بین درجات بهشتیان، تفاوت در میزان تقبل نعمات است. چرا که نعمت‌ها وجود دارند و تمام هم نمی‌شوند، اما ظرفیت بهشتیان برای تقبل نعمت با یکدیگر تفاوت دارد (خطیب، ۱۴۲۴، ج ۱۴، ص ۵۶۴).

### ۴.۳ ذریه ایمانی

برخی از مفسرین روایتی از ابن عباس نقل کرده‌اند که وی، در تفسیری استعاری از آیه، مراد از «الَّذِينَ آمَنُوا» را مهاجرین و انصار و مراد از «ذریه» را تابعان دانسته است (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۷، ص ۶۶). با همین رویکرد، بقاعی گفته است که مراد از ذریه، صرفاً ذریه نسبی انسان نیست، بلکه دوست‌داران، اقربای دینی و همچنین کسانی که ایمان و علم را از فرد مؤمن گرفته‌اند، جزو ذریه او محسوب شده و به حکم این آیه، به او در بهشت ملحق خواهند شد (۱۴۲۷، ج ۷، ص ۲۹۸). صاوی همین مطلب را یادآور شده و تأکید می‌کند که ذریه علمی همچون شاگردان هم به موجب این آیه، به مشایخ خود ملحق خواهند شد (۱۴۲۷، ج ۴، ص ۹۵). صادقی تهرانی نیز بر این مضمون تأکید کرده است (۱۴۰۶، ج ۲۷، ص ۳۶۰). سیر تاریخی اعتنا به این دیدگاه نشان می‌دهد که در میان متأخرین، بحث روابط

خانوادگی از جایگاه و اهمیت والای خود افول کرده و در عوض، رابطه ایمانی و علمی اهمیت شایانی یافته است. لذا مشاهده می‌شود که با اینکه متقدمان این دیدگاه را صرفاً به عنوان نظری ذوقی و غیرجدی تلقی کرده‌اند، در میان متأخران و معاصران، این نظر با استقبال مواجه شده و درباره آن بحث‌های جدی مطرح کرده‌اند.

### ۵.۳ مراد از مؤمنان: پدران یا والدین؟ (پدر و مادر)

در آیه شریفه، اشاره مستقیمی به پدران نشده، بلکه از موصول خاص «الَّذِينَ» استفاده شده که می‌تواند شامل مردان و زنان باشد. اما در عین حال، اکثر مفسرین صرفاً از پدران نام برده‌اند و تنها برخی از آنها به مادران هم اشاره کرده‌اند. ماتریدی، ابن عربی صاحب احکام القرآن و نهاوندی از مفسرینی هستند که به این مقوله اشاره و تأکید کرده‌اند که فرزندان به مادران هم ملحق می‌شوند (ماتریدی، ۱۴۲۶، ج ۹، ص ۴۰۵؛ ابن عربی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۷۳۱؛ نهاوندی، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۶۷). شیخ‌زاده هم گفته فرزند صغیر در روز قیامت به خیرالأبویین ملحق می‌شود (۱۴۱۹، ج ۷، ص ۷۲۳). نکته این بحث اینجاست که اگر مراد از ذریه را اولاد صغار در نظر بگیریم، مبنای الحاق آنها به پدران‌شان در بهشت را می‌توان قاعده حقوقی الحاق فرزندان به پدران در دنیا دانست. در صورتی که این قاعده نمی‌تواند مجرای برای الحاق فرزندان به مادران تلقی شود. چرا که از نظر قواعد حقوقی زمان نزول قرآن، فرزند از نظر حقوقی تابع پدر است و نه مادر (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۶، ص ۱۲۴). هر چند این نوع برداشت از آیه به مرور زمان کم‌رنگ‌تر شده و اکثر مفسرین سده‌های میانه و متأخرین، مراد از ذریه را همه فرزندان دانسته‌اند، نه صرفاً فرزندان صغیر.

### ۴. مراد از ایمان

ابهام دیگری که درباره آیه وجود دارد، این است که مراد از نکره بودن واژه «بِإِيمَانٍ» در عبارت «وَأَتَّبَعْتَهُمْ ذُرِّيَّتَهُمْ بِإِيمَانٍ» چیست؟ فرزندان با چگونه ایمانی می‌توانند به پدران خود ملحق شوند؟ در این باره نظرات مختلفی مطرح شده است.

### ۱.۴ صرف ایمان فرزندان

بسیاری از مفسرین تأمل خاصی بر این فقره از آیه نداشته و گفته‌اند که اگر فرزندان مؤمنین، همچون پدران خود ایمان داشته باشند، اما از نظر اعمال، هم سطح پدران نباشند، به سطح و درجه عملی آنها ارتقا می‌یابند (به عنوان نمونه: صنعانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۰۰؛ محلی و سیوطی، ۱۴۱۶، ص ۵۲۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۲، ص ۴۲۹؛ جزایری، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۱۷۸). در این دیدگاه، ایمان امری ثابت و بسیط دیده می‌شود و نگاه به آن به صورت امری مشکک نیست. لذا آزمون سنجش احراز آن پاسخی نفی یا اثباتی دارد، نه توصیفی.

#### ۲.۴ ایمان حداقلی فرزندان

عده کثیری از مفسرین معتقدند فرزندان مؤمنین، با احراز ایمانی حداقلی، می‌توانند به پدران خود در بهشت ملحق شوند. در این دیدگاه، به مقوله ایمان به صورت امری مشکک و ذومراتب نگریسته شده و احراز سطح حداقلی آن، برای الحاق به پدران کفایت می‌کند. از میان مفسرین برخی از آنها این برداشت را به عنوان نظر برگزیده خود معرفی نموده‌اند (نک: ابوالسعود، ۱۹۸۳، ج ۸، ص ۴۸؛ شیخ‌زاده، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۷۲۳؛ حقی بروسوی، ج ۹، ص ۱۹۲؛ حائری طهرانی، ۱۳۳۸، ج ۱۰، ص ۲۴۶). صادقی تهرانی این سوال را مطرح می‌کند که اگر قرار بود این ذریه، از نظر ایمانی در درجه پدران‌شان باشند، قاعدتاً در درجه بهشتی هم باید مساوی باشند و در این صورت، الحاق بی‌معناست. لذا روشن است که سطح ذریه از نظر ایمان پایین‌تر از پدران است و چون میزان تفاوت به صورت مشخص ذکر نشده، لذا تحقق اصل ایمان به صورت حداقلی برای الحاق کافی است (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۲۷، ص ۳۶۰). علامه طباطبایی نیز بیان می‌کند که الحاق در صورت مساوی بودن یا کامل‌تر بودن ایمان ذریه از ایمان پدران، با سیاق امتنان آیه سازگار نیست (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۱۵). برخی دیگر از مفسرین، این دیدگاه را به عنوان یکی از احتمالات در نظر گرفته‌اند و مشخص نکرده‌اند که نظر صریح آنها درباره این مسئله چیست (به عنوان نمونه: فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۸، ص ۲۱۲؛ رسعنی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۴۴۴؛ سیواسی، ۱۴۲۷، ج ۴، ص ۱۵۴؛ زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۲۷، ص ۶۷؛ کاشانی، ۱۴۲۳، ج ۶، ص ۴۹۱). البته در تحلیل کلی روشن است که هر چه به سده‌های اخیر نزدیک‌تر می‌شویم، طرفداران این دیدگاه بر دیگران غلبه می‌یابند و اکثریت مفسران معاصر، یا درباره نوع ایمان اظهار نکرده‌اند (مانند: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۲، ص ۴۲۹؛ جزایری، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۱۷۸)، و یا همین دیدگاه را به عنوان نظر برگزیده خویش معرفی نموده‌اند.

### ۳.۴ ایمان عظیم پدران

اکثر مفسران از نظر نحوی، واژه «بایمان» را متعلق به فعل «وَأَتَّبَعْتَهُمْ» می‌دانند و با وابسته دانستن «ایمان» به «اتباع»، آیه را تفسیر می‌کنند. اما در این میان، برخی از مفسران ایمان را متعلق به جمله بعد («بایمان أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ») دانسته و بر این اساس، نوع ایمان را امری متعلق به پدران و نه فرزندان معرفی می‌کنند. در این حالت، واژه «بایمان» مفعول که مقدم برای جمله مابعدش محسوب می‌شود و مراد از آن، ایمان بلندپایه و عظیم پدران است که به سبب آن، فرزندان با ایمان به آنها ملحق می‌شوند. زمخشری که یکی از مهم‌ترین قائلان به این برداشت است می‌گوید: «بایمان أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ» ای بسبب ایمان عظیم رفیع المحل، و هو ایمان الآباء أَلْحَقْنَا بِدَرَجَاتِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ و إن كانوا لا يستأهلونها، تفضلاً عليهم و علی آبائهم، لنتم سرورهم و نكمل نعيمهم. فإن قلت: ما معنى تنكير الايمان؟ قلت: معناه الدلالة على أنه إيمان خاص عظیم المنزلة» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۱۱). بیضاوی (۱۴۱۸، ج ۵، ص ۱۵۳)، ابن ابی جامع (۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۵۱)، شبر (۱۴۱۰، ص ۴۹۰)، شوکانی (۱۴۱۴، ج ۵، ص ۱۱۷)، ابن عاشور (۱۴۲۰، ج ۲۷، ص ۶۲) و زحیلی (۱۴۱۱، ج ۲۷، ص ۶۷) از دیگر مفسرینی هستند که احتمالاً تحت تأثیر نظر زمخشری، این دیدگاه را به عنوان نظر راجح برگزیده‌اند. برخی دیگر از مفسرین این نظر را نقل کرده، اما دیدگاه دیگری را معتبرتر دانسته‌اند (رسعی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۴۴۵؛ سیواسی، ۱۴۲۷، ج ۴، ص ۱۵۴؛ کاشانی، ۱۴۲۳، ج ۶، ص ۴۹۱). در کل، این دیدگاه در میان معاصران با استقبال مواجه نشده است.

تفاوت این دیدگاه با دیدگاه قبلی در آن است که عامل اصلی در این دیدگاه، ایمان عظیم پدران است و ایمان فرزندان از این نظر، تحت الشعاع آن قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، عاملی که باعث می‌شود الحاق صورت گیرد، بالاتر بودن درجه پدران از فرزندان نیست، بلکه قدر و منزلت عظیم جایگاه ایمانی پدران موجب این الحاق می‌گردد. با قبول این دیدگاه، هر پدری که درجه‌اش از فرزندانش بالاتر است، نمی‌تواند آنها را به خود ملحق کند، بلکه او باید از نظر ایمانی در درجات خیلی بالایی قرار داشته باشد. لذا این نعمت شامل همه بهشتیان نمی‌شود و تنها کسانی می‌توانند از این نعمت استفاده کنند که جایگاه ایمانی بسیار بالایی داشته باشند.

### ۴.۴ ایمان تقلیدی فرزندان

برخی از مفسرین با تأکید بر مؤلفه «اتباع» در آیه، مراد از ایمان فرزندان را ایمانی می‌دانند که فرزندان به تبعیت و تقلید از پدران آن را فرا گرفته باشند. از منظر آنها، طبیعی است که وقتی فرزندان به پدران‌شان اطمینان کرده و ایمان را به تبعیت و تقلید از آنها دریافته‌اند، در جایگاه اخروی نیز این تبعیت ادامه داشته و به پدران ملحق شوند. شیخ طوسی تصریح می‌کند که اگر فرزندان، به خاطر ایمان پدران‌شان مؤمن شوند، خداوند آنها را به ایشان ملحق خواهد ساخت (طوسی، ج ۹، ص ۴۰۷). برخی از مفسرین نیز این دیدگاه را به عنوان یک احتمال مطرح ساخته‌اند (نیشابوری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۷۶۹؛ ماتریدی، ۱۴۲۶، ج ۹، ص ۴۰۷). اما هیچ یک از مفسران متأخر و معاصر، با این دیدگاه هم‌داستان نشده‌اند. علت این امر را می‌توان اهمیت یافتن بحث عنصر «تفکر و تحقیق» در ایمان در میان متأخران دانست که باعث می‌شود از نقش و جایگاه مؤلفه «تقلید» در ارتباطات انسانی، مخصوصاً در حوزه اصول دین کاسته شود.

## ۵. ارتباط فقره انتهایی آیه با مضمون الحاق

در فقره انتهایی آیه، مضمونی آمده که در ظاهر با مضامین پیشین خود دارای اختلاف است. در کل آیه، صحبت از این است که فرزندان مؤمنین به واسطه پدران‌شان، به درجات آنها در بهشت ملحق می‌شوند. اما در فقره انتهایی آیه، خداوند متعال تأکید کرده که هر انسانی در گروی اعمال خویش است (كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ). مفسرین درباره اینکه این فقره از آیه، چه منظوری دارد و چرا آیه با این مضمون ختم شده نظرات مختلفی دارند. علامه طباطبایی به تفاوت سیاق در این فقره با فقرات پیشین تفتن داشته و فقره اخیر را تعلیل فقره پیشین (وَمَا أَلْتَنَا هُمْ...) در نظر گرفته است. بدین شرح که اگر قرار بود به خاطر الحاق ذریه از اعمال نیک پدران کم شود، آنگاه پدران مرهون عمل فرزندان خواهند بود. لذا بر این مبنا که کسی نباید مرهون عمل دیگری باشد، از اعمال پدران برای الحاق، چیزی کم نخواهد شد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۱۲).

## ۱.۵ مراد: کافران و ذریه آنها

بسیاری از مفسران معتقدند این فقره تنها درباره کافران و ذریه آنها است. بدین معنا که اولاً بر خلاف مؤمنان که ذریه به واسطه ایمان و عمل پدران به آنها ملحق می‌شوند، ذریه کافران

در گروهی اعمال پدران‌شان نیستند و فقط با اعمال خویش سنجیده می‌شوند و ثانیاً فردی که کافر است، تنها با اعمال خویش سنجیده می‌شود و حتی اگر پدرش مؤمن باشد، به او ملحق نخواهد شد (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۱۴۵؛ ابن ابی‌زمین، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۳۵۷؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۶، ص ۱۲۴). هواری مراد از الفاظ عام «کل امرئ» را اهل آتش دانسته و با استناد به آیات ۳۸-۳۹ سوره مدثر «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ \* إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ» تصریح می‌کند که مؤمنان در گروهی اعمال خویش نیستند، بلکه تنها کافران و اهل جهنم اینگونه هستند (هواری، ۱۴۲۶، ج ۴، ص ۲۰۷). تأکید بر استثنا بودن مؤمنان از قاعده رهین اعمال بودن، توسط مفسران دیگری نیز اقامه شده است (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۲۹۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۲۵۰). قرطبی نیز به عنوان احتمال مطرح ساخته که ذریه غیر مؤمن انسان مؤمن، مراد از این فقره باشند (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۷، ص ۶۶). البته این دیدگاه که بین متقدمین مقبولیت بیشتری داشته، در میان متأخرین چندان با استقبال مواجه نشده و به جز معدودی از مفسرین چون خازن (۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۰۰)، جزایری (۱۴۱۶، ج ۴، ص ۶۰۴)، پانی‌پتی (۱۴۱۲، ج ۹، ص ۹۷)، مغنیه (۱۴۲۴، ج ۷، ص ۱۶۴) و دخیل (۱۴۲۲، ص ۷۰۲) مابقی مفسران آیه را به صورت دیگری شرح داده‌اند.

## ۲.۵ مراد از ما کسب: گناهان

برخی از مفسران، برای تحلیل و تفسیر این فقره از آیه بر روی عبارت «ما کسب» تمرکز کرده و با روشن ساختن مراد از این عبارت، به شرح ارتباط این فقره با مفاد عبارات پیشین پرداخته‌اند. برخی اذعان داشته‌اند که مراد از ما کسب، همه اعمال انسان نیست، بلکه تنها گناهان انسان است. لذا این فراز در صدد است که تأکید کند انسان در گروهی اعمال بد و گناهان خویش است و تا هنگامی که از دست گناهان رهایی نیابد، نمی‌تواند به رستگاری برسد (دینوری، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۳۴۹؛ میدانی، ۱۳۶۱، ج ۱۴، ص ۵۸۵؛ صادقی‌تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۲۷، ص ۳۵۹). برخی از مفسران نیز در ضمن بیان اینکه مراد از «ما کسب» گناهان انسان است، گفته‌اند که مراد آیه این است که انسان تنها در گروهی گناهان خویش است، نه گناهان دیگران مخصوصاً پدران‌شان (نحاس، ج ۴، ص ۱۷۲؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۷، ص ۱۵؛ مراغی، ج ۲۷، ص ۲۶؛ امین، ج ۱۲، ص ۳۴۷).

## ۳.۵ مراد: همه انسان‌ها و همه اعمال

اکثر مفسران سده‌های میانه و متأخران، بر عام بودن الفاظ این فقره تأکید کرده‌اند و مراد را این دانسته‌اند که همه انسان‌ها محبوس و مرهون اعمال خویش هستند و تنها در حالتی می‌توانند از این حبس و رهن خارج شوند که اعمال صالح آنها از کارهای ناصالح‌شان فزونی و پیشی گیرد. لذا در این معامله، فک رهن تنها توسط اعمال صالح صورت می‌پذیرد و اگر فرد نتواند خود را از رهن خارج نماید، مستحق عذاب خواهد بود (ماوردی، ج ۵، ص ۳۸۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۱۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۸، ص ۲۰۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۴، ص ۳۳). در واقع برداشت از این فقره آیه در سیر تاریخی، به تدریج از خاص بودن به سوی عام و فراگیر شدن حرکت کرده است.

## ۶. بحث و نتیجه‌گیری

اولین مسئله‌ای که درباره آیه الحاق ذریه مطرح می‌شود این است که مراد از ذریه، فرزندان مستقیم شخص است یا فرزندان باواسطه؟ بررسی نظرات مفسران نشان می‌دهد که اکثر آنها مراد از ذریه را فرزندان شخص می‌دانند نه نسل و ذریه به معنای اعم. جدای از اتفاق نظر مفسران در این خصوص، توجه به سیاق آیه که نعمت‌های بهشتی را توصیف می‌کند، نشان می‌دهد که یکی از نعمت‌های بهشتی، هم‌نشینی با کسانی است که فرد مؤمن در دنیا با آنها هم‌نشین و مأنوس بوده است. لذا از این نظر، توجیه منطقی الحاق فرزندان مؤمن به او، فراهم آوردن موجبات دلخوشی او به واسطه تشکیل حلقه مألوف مودتش است و دلیلی ندارد که مؤمن، از ندیدن چند نسل بعدش در کنار خود، آزرده و دل‌تنگ باشد.

مسئله بعد این است که آیا همه فرزندان مؤمن انسان مؤمن به او ملحق می‌شوند یا تنها فرزندان کوچک او؟ مفسران در این خصوص اختلاف نظر دارند و برای هر یک از پاسخ‌ها هم توجیهات و استدلال‌ات متعددی مطرح شده است. قائلان به نظریه تمام فرزندان، معتقدند سیاق امتنان اقتضا می‌کند که همه فرزندان مؤمن به او ملحق شوند. در مقابل، قائلان به نظریه فرزندان صغار، معتقدند دلیلی ندارد کسانی که به اقتضای اعمال خود، به درجه‌ای از بهشت رسیده‌اند، صرفاً برای روشنی چشم پدران‌شان به درجات بالاتر رفته و به آنها ملحق شوند. اما فرزندان صغار، از آنجا که فرصتی برای عمل در دنیا نیافته و قبل از رسیدن به سن تکلیف از دنیا رفته‌اند، به واسطه فضل الهی به پدران خود ملحق می‌شوند. چرا که در دنیا نیز از هر نظر تحت تکفل پدران خود محسوب می‌شدند. دیدگاه اول به مرور زمان فراگیرتر شده و از نظر ناظر بیرونی در زمانه کنونی نیز منطقی‌تر می‌نماید. چرا



که اگر مبنای الحاق فرزندان صغار به پدران‌شان، فضل الهی باشد، با توجه به عدم محدودیت فضل الهی و با استناد به همین مبنا می‌توان همه فرزندان مؤمن فرد مؤمن را ملحق به پدران‌شان کرد.

مسئله سوم، مراد از تنکیر لفظ «ایمان» در آیه شریفه و سطح و مقدار ایمانی است که از ذریه انتظار می‌رود. ۴ دیدگاه در این خصوص مطرح شده که به نظر می‌رسد بهترین و سازگارترین دیدگاه، آن است که مراد از ایمان را ایمانی حداقلی بدانیم. توجه به قرائنی چون موضوع فزونی ایمان در برخی از آیات قرآن کریم (به عنوان نمونه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ...» (نساء/۱۳۶) و «وَإِذَا تَلَّيْتُمْ عَلَيْهِمْ آيَاتَهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا» (انفال/۲)) نشان می‌دهد که نمی‌توان ایمان را امری بسیط و بدون درجه در نظر گرفت. چرا که بر اساس این آیات، ایمان مؤمنان به دلایل مختلف افزایش می‌یابد. لذا با توجه به سیاق امتنان و تفضل بر بهشتیان، می‌توان گفت که احراز سطحی حداقلی از ایمان در ذریه، برای الحاق به والدین کافی است. این دیدگاه نیز در سیر تاریخی نظرات مفسران، بر دیگر دیدگاه‌ها غلبه یافته و بیشتر مفسران متأخر و معاصر، بر همین نظر صحه گذاشته‌اند. البته باید در نظر داشت که بنا به نظر بسیاری از قائلان به دیدگاه فوق، مراد از الحاق این نیست که فرزندان دقیقاً به درجه‌ای که پدران‌شان بدان نائل شده‌اند برسند. چرا که هیچ دلیل منطقی برای این امر وجود ندارد. بلکه فرزندان صرفاً هم‌نشین پدران‌شان خواهند بود و با عنایت به تفاوت ظرفیت استفاده از نعمت‌ها بین بهشتیان، این هم‌نشینی تفاوت فاحشی در اشتغال نعمت‌ها برای آنها ایجاد نمی‌کند. دیدگاه‌هایی که مراد از ایمان را ایمان عظیم پدران یا ایمان تقلیدی فرزندان می‌دانند، چندان صحیح به نظر نمی‌رسند. چرا که دامنه شمول این قاعده را بسیار تنگ می‌کنند که با ظاهر و گفتمان حاکم بر سیاق چندان سازگار نیست.

مسئله چهارم این است که چه ارتباطی بین فقره انتهایی آیه که بر مضمون عدالت الهی تأکید دارد، با بخش‌های پیشین و نعمت‌هایی که بر مبنای فضل الهی تصویر شده‌اند وجود دارد؟ بسیاری از مفسران متقدم این بخش را صرفاً جمله‌ای معترضه در میان تشریح نعمت‌های بهشتی قلمداد کرده‌اند. اما مفسران متأخر و معاصر اذعان کرده‌اند که ارتباط عمده‌ای بین این بخش و فقرات پیشین برقرار است. بدین صورت که جمله انتهایی آیه، تأکیدی است بر این امر که از زاویه عدل الهی، انسان تنها به واسطه گناهی که خود انجام داده، مستحق عقاب می‌گردد و نمی‌توان قاعده تبعیت از پدران را در خصوص کافران نیز ساری و جاری دانست. همچنین از زاویه فضل الهی، شایسته نیست که به واسطه الحاق ذریه

مؤمن به او، از پاداش اعمال صالح وی کاسته شود، چرا که هر انسانی در گروی اعمال خویش است و کاسته شدن از اعمال مؤمن برای الحاق ذریه‌اش به او، با امتنان و فضل الهی منافات دارد. لذا فقره آخر دلیلی است بر اینکه چرا از پاداش اعمال مؤمنین برای الحاق ذریه او به وی کاسته نمی‌شود. در این صورت، منافاتی بین این فقره با فقرات پیشین وجود ندارد.

در یک نگاه کلی، بررسی تاریخی نظرات مفسران نشان می‌دهد راه‌حل‌هایی که برای مسائل فوق ارائه شده، علی‌رغم کم‌فروغی در آثار متقدمان، در آراء متأخران بیشتر مطرح شده و قاطبه مفسران معاصر بر صحت دیدگاه‌های فوق تأکید داشته‌اند. علت این امر را نیز می‌توان فزونی یافتن اهمیت مبحث عدالت الهی و عدالت اجتماعی در سده‌های اخیر دانست.

## کتاب‌نامه

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند
- ابن ابی جامع، علی بن حسین، (۱۴۱۳ق)، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، تحقیق مالک محمودی، قم: دار القرآن الکریم
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق اسعد محمد طیب، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز، چاپ سوم.
- ابن ابی زمنین، محمد بن عبدالله، (۱۴۲۴ق)، تفسیر ابن ابی زمنین، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- ابن جزی، محمد بن احمد، (۱۴۱۶ق)، التسهیل لعلوم التنزیل، تحقیق عبدالله خالدی، بیروت: شرکه دار الارقم بن ابی الارقم.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، (۱۴۲۲ق)، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق عبدالرزاق مهدی، بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن عاشور، محمد طاهر، (۱۴۲۰ق)، تفسیر التحریر والتنویر، بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.
- ابن عجبیه، احمد، (۱۴۱۹ق)، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، تحقیق احمد عبدالله قرشی رسلان، قاهره: حسن عباس زکی.
- ابن عربی، محمد بن عبدالله، (۱۴۰۸ق)، احکام القرآن، تحقیق علی محمد بجاوی، بیروت: دار الجیل.
- ابن عربی، محمد بن علی، (۱۴۱۰ق)، رحمه من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن، تحقیق محمود محمود غراب، دمشق: مطبعة نصر.

تحليل سير تاريخي نظرات مفسران درباره آیه الحاق ذریه ۱۹

ابن عرفه، محمد بن محمد، (۲۰۰۸م)، تفسیر ابن عرفه، بیروت: دار الکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون.

ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، (۱۴۲۲ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت: دار الکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق محمد حسین شمس الدین، بیروت: دار الکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون.

ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.

ابوالسعود، محمد بن محمد، (۱۹۸۳ق)، تفسیر ابی السعود (ارشاد العقل السلیم الی مزیای القرآن الکریم)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تصحیح محمد مهدی ناصح و محمد جعفر یاحقی، مشهد مقدس: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

ابوحنیان، محمد بن یوسف، (۱۴۲۰ق)، البحر المحیط فی التفسیر، تحقیق صدقی محمد جمیل، بیروت: دار الفکر.

امین، نصرت بیگم، (بی تا)، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، بی تا: بی جا.

ألوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السع الثماني، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

بغوی، حسین بن مسعود، (۱۴۲۰ق)، تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل، تحقیق عبدالرزاق مهدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

بقاعی، ابراهیم بن عمر، (۱۴۲۷)، نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور، تحقیق عبدالرزاق غالب مهدی، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، چاپ سوم.

بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق)، انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

پانی پتی، ثناءالله، (۱۴۱۲ق)، التفسیر المظهری، کویت: مکتبه رشدیة.

ثعلبی، احمد بن محمد، (۱۴۲۲ق)، الكشف والبیان المعروف تفسیر الثعلبی، تحقیق ابی محمد ابن عاشور و نظیر ساعدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

تقفی تهرانی، محمد، (۱۳۹۸ق)، روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، تهران: برهان، چاپ دوم.

جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن، (۱۴۳۰ق)، درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق محمد ادیب شکور و طلعت صلاح فرحات، عمان: دار الفکر.

جزایری، ابوبکر جابر، (۱۴۱۶ق)، ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر، مدینه منوره: مکتبه العلوم والحکم.

جمل، سلیمان بن عمر، (۱۴۲۷ق)، الفتوحات الالهیه بتوضیح التفسیر الجلالین للدقایق الخفیة، تحقیق ابراهیم شمس الدین، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۵)، متن پیاده‌شده درس تفسیر سوره طور، جلسه چهارم به تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۷، بارگیری‌شده به تاریخ (۱۳۹۸/۰۴/۱۸) از پایگاه اینترنتی:

<http://www.javadi.esra.ir/web/office/-/%D-1B/8A%D8/9D/3B/AD/81/9AA%D/8http://www.javadi.esra.ir/web/office/-/%D-1B/8D/88/9D/7B/8-%D8V/9D/1B/AD/88/9D/3B/8%D438-11-1395-4-87/9D/3B/AD/84/9AC%D/8%D>

حاجی اسماعیلی، محمدرضا، سلطانی رنانی، سید مهدی، (۱۳۹۳)، تبیین ساختار زبانی واژه ذریه در قرآن و بررسی برخی از تأثیرات آن در فقه امامیه، دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های زبان-شناختی قرآن، سال سوم، شماره ۱، پیاپی ۵، صص ۱۹-۳۸.

حائری طهرانی، علی، (۱۳۳۸ش)، مقتنیات الدرر، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

حجازی، محمد محمود، (۱۴۱۳ق)، التفسیر الواضح، بیروت: دار الجیل، چاپ دهم.

حقی بروسوی، اسماعیل بن مصطفی، (بی‌تا)، تفسیر روح البیان، بیروت: دار الفکر.

حوی، سعید، (۱۴۲۴ق)، الاساس فی التفسیر، قاهره: دار السلام، چاپ ششم.

حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، تصحیح هاشم رسولی، قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم.

خازن، علی بن محمد، (۱۴۱۵ق)، تفسیر الخازن المسمى لباب التأویل فی معانی التنزیل، تصحیح عبدالسلام محمدعلی شاهین، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون.

خطیب شربینی، محمد بن احمد، (۱۴۲۵ق)، تفسیر الخطیب الشربینی المسمى السراج المنیر، تحقیق ابراهیم شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون.

خطیب، عبدالکریم، (۱۴۲۴ق)، التفسیر القرآنی للقرآن، بیروت: دار الفکر العربی.

دخیل، علی محمدعلی، (۱۴۲۲ق)، الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، چاپ دوم.

دروزه، محمد عزه، (۱۴۲۱ق)، التفسیر الحدیث: ترتیب السور حسب النزول، بیروت: دار الغرب الاسلامی.

دینوری، عبدالله بن محمد، (۱۴۲۴ق)، تفسیر ابن وهب المسمى الواضح فی تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت: دار الشامیه.

رسعنی، عبدالرزاق بن رزق الله، (۱۴۲۹ق)، رموز الكنوز فی تفسیر الكتاب العزیز، تحقیق عبدالملک بن دهیش، مکه مکرمه: مکتبه الاسدی.

زحیلی، وهبه، (۱۴۱۱ق)، التفسیر المنیر فی العقیده والشریعه والمنهج، دمشق: دار الفکر، چاپ دوم.

تحليل سير تاريخي نظرات مفسران درباره آية الحاق ذر به ٢١

زمخشرى، محمود بن عمر، (١٤٠٧ق)، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الاقاويل فى وجوه التأويل، تحقيق مصطفى حسين احمد، بيروت: دار الكتاب العربى، چاپ سوم.  
زيد بن على، (١٤١٢ق)، تفسير الشهيد زيد بن على المسمى تفسير غريب القرآن، تحقيق حسن بن محمد تقى حكيم، بيروت: الدار العالميه.

سفيان الثورى، ابو عبدالله سفيان بن سعيد، (١٤٠٣ق)، تفسير الثورى، بيروت: دار الكتب العلميه. (برگرفته از كتابخانه ديگيتالى مدرسه فقاهاست به آدرس: <http://lib.efatwa.ir/41758/1/0>)  
سمرقندى، نصر بن محمد، (١٤١٦ق)، تفسير السمرقندى المسمى بحر العلوم، تحقيق عمر عمروى، بيروت: دار الفكر.

سيواسى، احمد بن محمود، (١٤٢٧ق)، عيون التفاسير، تحقيق بهاء الدين دار تما، بيروت: دار صادر.  
سيوطى، عبدالرحمن بن ابى بكر، (١٤٠٤ق)، الدر المنثور فى التفسير بالمأثور، قم: كتابخانه عمومى حضرت آيت الله مرعشى نجفى.

شاه عبدالعظيمى، حسين، (١٣٦٣ش)، تفسير اثنى عشرى، تهران: ميقات.

شبر، عبدالله، (١٤١٠ق)، تفسير القرآن الكريم، قم: مؤسسه دار الهجره، چاپ دوم.

شوكانى، محمد، (١٤١٤ق)، فتح القدير، دمشق: دار ابن كثير.

شيخ زاده، محمد بن مصطفى، (١٤١٩ق)، حاشيه محبى الدين شيخ زاده على تفسير القاضى البيضاوى، تصحيح محمد عبدالقادر شاهين، بيروت: دار الكتب العلميه، منشورات محمد على بيضون.

صادقى تهرانى، محمد، (١٤٠٦ق)، الفرقان فى تفسير القرآن بالقرآن والسنه، قم: فرهنگ اسلامى.

صاوى، احمد بن محمد، (١٤٢٧ق)، حاشيه الصاوى على تفسير الجلالين، تصحيح محمد عبدالسلام شاهين، بيروت: دار الكتب العلميه، منشورات محمد على بيضون.

صنعانى، عبدالرزاق بن همام، (١٤١١ق)، تفسير القرآن العزيز المسمى تفسير عبدالرزاق، بيروت: دار المعرفه.

طباطبايى، محمد حسين، (١٣٩٠ق)، الميزان فى تفسير القرآن، بيروت: مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، چاپ دوم.

طبرانى، سليمان بن احمد، (٢٠٠٨م)، التفسير الكبير: تفسير القرآن العظيم، اريد: دار الكتاب الثقافى.

طبرى، فضل بن حسن، (١٣٧٢ش)، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تصحيح فضل الله يزدى طباطبايى و هاشم رسولى، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.

..... (١٤١٢ق)، تفسير جوامع الجامع، تصحيح ابوالقاسم گرجى، قم: مركز مديريت حوزه علميه قم.

طبرى، محمد بن جرير، (١٤١٢ق)، جامع البيان فى تفسير القرآن، بيروت: دار المعرفه.

طنطاوى، محمد سيد، (١٩٩٧م)، التفسير الوسيط للقرآن الكريم، قاهره: نهضة مصر.

- طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، تصحیح احمد حبیب عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
- فراء، یحیی بن زیاد، (۱۹۸۰م)، معانی القرآن، تحقیق محمد علی نجار و احمد یوسف نجاتی، قاهره: هیئة المصریة العامة للكتاب، چاپ دوم.
- فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، (۱۴۱۰ق)، تفسیر فرات الکوفی، تحقیق محمد کاظم، تهران: وزارة الثقافة والارشاد الاسلامی، مؤسسه الطبع والنشر.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، قم: هجرت.
- فضل الله، محمد حسین، (۱۴۱۹ق)، من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک.
- فولادوند، محمد مهدی، (۱۴۱۸ق)، ترجمه قرآن، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تصحیح حسین اعلمی، تهران: مکتبه الصدر، چاپ دوم.
- فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: دار الهجرة.
- قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴ش)، الجامع لاحکام القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن، (۲۰۰۰م)، لطائف الاشارات: تفسیر صوفی کامل للقرآن الکریم، تحقیق ابراهیم بسیونی، قاهره: هیئة المصریة العامة للكتاب، چاپ سوم.
- قطب، سید، (۱۴۲۵ق)، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق، چاپ سی و پنجم.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، (۱۳۶۸ش)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق حسین درگاهی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳ش)، تفسیر القمی، قم: دار الكتاب، چاپ سوم.
- قونوی، اسماعیل بن محمد، (۱۴۲۲ق)، حاشیه القونوی علی التفسیر الامام البیضاوی و معه حاشیه ابن التمجید، تصحیح عبدالله محمود عمر، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- کاشانی، فتح الله بن شکرالله، (۱۴۲۳ق)، زبده التفاسیر، تحقیق بنیاد معارف اسلامی، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة.
- ماتریدی، محمد بن محمد، (۱۴۲۶ق)، تأویلات اهل السنه (تفسیر الماتریدی)، تحقیق مجدی باسلوم، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- ماوردی، علی بن محمد، (بی تا)، النکت والعیون، تحقیق سید بن عبدالمقصود عبدالرحیم، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- محلی، محمد بن احمد، سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۱۶ق)، تفسیر الجلالین، بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات.

تحليل سير تاريخي نظرات مفسران درباره آية الحاق ذريه ۲۳

- مدرسي، محمد تقی، (۱۴۱۹ق)، من هدی القرآن، تهران: دار محبی الحسين.
- مراغی، احمد مصطفی، (بی تا)، تفسیر المراغی، بیروت: دار الفکر.
- مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۴ق)، التفسیر الکاشف، قم: دار الكتاب الاسلامی.
- مقاتل بن سلیمان، (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق عبدالله محمود شحاته، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ دهم.
- مکی بن حموش، (۱۴۲۹)، الهدایه الی بلوغ النهایه، شارجه: جامعہ الشارقه، کلیه الدراسات العلیا والبعث العلمی.
- میدانی، عبدالرحمن حسن حبنکه، (۱۳۶۱ش)، معارج التفکر و دقائق التدبر، دمشق: دار القلم.
- نحاس، احمد بن محمد، (بی تا)، کتاب الناسخ والمنسوخ فی القرآن الکریم، بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیة.
- نووی، محمد، (۱۴۱۷ق)، مراح لبید لکشف معانی القرآن المجید، تصحیح محمد امین ضناوی، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- نہاوندی، محمد، (۱۳۸۶ش)، نفعات الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسۃ البعثۃ، مرکز الطباعة والنشر.
- نیشابوری، محمود بن ابوالحسن، (۱۴۱۵ق)، ایجاز البیان عن معانی القرآن، تحقیق حنیف قاسمی، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
- واحدی، علی بن احمد، (۱۴۱۵ق)، الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت: دار القلم.
- هواری، هود بن محکم، (۱۴۲۶ق)، تفسیر کتاب الله العزیز، بی جا: دار البصائر.